

سه رساله درباره علامه مجلسی

به کوشش: علی اکبر صفری

مقدمه

«بسم الله» تفسیر تابناک و روشنی از ماندگاری کارهاست به همان اندازه که در آن خلوص بکاررفته است^۱ و هرچه در این مدار نیست به نیستی محکوم است. آثار جاودانه و شکوهمند علامه محمد باقر مجلسی (اعلی الله مقامه)^۲ یکی از گونه های اخلاص در علم و

۱. «وذلك أن الله سبحانه يبين في مواضع من كلامه: أن ما ليس لوجهه الكريم هالك باطل،... أنه لا بقاء لشيء إلا وجهه الكريم فما عمل لوجهه الكريم وصنع باسمه هو الذي يبقى ولا يفنى، وكل أمر من الأمور إنما نصيبه من البقاء بقدر ما لله فيه نصيب» (تفسیر المیزان ج ۱ ص ۱۵)

۲. برای آشنایی با زندگانه علامه مجلسی نگاه کنید به:

- الفیض القدسی فی ترجمه العلامة المجلسی، میرزا حسین بن محمد تقی نوری «محدث نوری» تحقیق سید جعفر النبوی (قم، مرصاد، ۱۴۱۹ هـ)

- مفاخر اسلام، ج هشتم، علامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، علی دوانی، (تهران، قبله، ۱۳۷۲ ش)

- زندگی نامه علامه مجلسی، سید مصلح الدین مهدوی با حواشی علامه سید محمد علی روضاتی (اصفهان، همایش بزرگداشت علامه مجلسی، ۱۳۷۸ ش) ۲ جلد

- العلامة المجلسی و کتابه بجا الأتوار، حسن طارمی، (تهران، موسسه الهدی، ۱۳۷۸ ش)

- شناخت نامه علامه مجلسی، مهدی مهریزی، هادی ربانی (تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد، ۱۳۷۸) ۲ جلد.

- یادنامه علامه مجلسی، مجموعه مقالات، گفت و گوها و سخنرانی ها، مهدی مهریزی، هادی ربانی (تهران،

عمل است.

علامه مجلسی توانست در مدّت عمر قریب (۱۲۰۲۷۰۰) یک میلیون و دویست و دو هزار و هفتصد بیت در پیرامون مذهب شیعه کتابت کند یا به امر او در دفتر او کتابت شود و به نام و مدوّن گردد، اگر به مجموع عمر او که هفتاد و سه سال بوده است، این مبلغ را توزیع کنند، قسمت هر سالی ۱۹۲۱۵ بیت و هر بیتی ۱۵ حرف می شود.^۱

بسیار شگفت آور است، آن بزرگ مرد با تمام کارهای تدریس و پرورش شاگردان و رسیدگی به امور مردم؛ این تالیفات را نگاشته که بیش از سیصد سال تا کنون مقبول طبع صاحب نظران شده است.

او همه آن تصانیف را در وصیت نامه به مردم تقدیم نموده است: «إِتي وقفْتُ كلُّ من تصانیفی کَلِّما بخطی أو بعضها أی نسخة الأصل علی کافة المؤمنین...»^۲

راز جاودانگی را علامه در اجازاتی که به شاگردان خود نگاشته اشاره کرده است: «و رعایة الإخلاص فی العلم والعمل»... «و مراعاة الأخلاص فی تحصیل العلم والعمل»... «و بذل الجهد فی ترویج أخبار النبی وأهل بیته صلوات الله علیهم و تصحیحها و نشرها و تنقیحها و بذلها لأهلها»^۳

واژه واژه این سخنان در بحار الانوار بسان خورشید می درخشد: «با خلوص بیاد خدا باشید تا بهترین زندگی را بیابید و از بهترین راهها به هدف برسید»^۴

حق شناسی از علامه مجلسی که در روزگار خویش برگ برگ آثار شیعه را از جای جای بلاد اسلامی فراهم آورد، حق شناسی از فرهنگ درخشان اسلامی است.

در عظمت جایگاه و مقام بلند علامه، ملاعزیز الله بن محمد تقی مجلسی - یکی از نوادگان او- در کتاب هدایة العالمین چنین نوشته است:

«...طریقه نجات و راه دین و مذهب حق و یقین چون آفتاب تابان روشن و نمایان است. و

سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۹، ۳ جلد

۱. سبک شناسی یا تاریخ تطوّر نشر فارسی، محمد تقی بهار (تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۷ش)، ج ۳ ص ۳۰۴.

۲. کتابشناسی علامه مجلسی، حسین درگاهی، علی اکبر تلافی داریانی (تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۰) ص ۳۱۴-۳۱۳.

۳. اجازات العلامة المجلسی ص ۱۹، ۱۲۴.

۴. ترجمه جلد هفدهم بحار الانوار در مواضع امامان علیهم السلام، مترجم موسی خسروی، تهران، اسلامی، بی تا، ص ۳۸.



اکثر علما در ردّ اهل بطلان و اثبات حقایق ایمان کتابها نوشته اند. خصوصاً افضل فضلاء متقدمین و متأخرین و أعلم فقها و محدّثین، مهبط فیوضات و مواهب خاصّه الهی، معدن فضایل و حقایق و معارف نامتناهی، قدوه اهل فضل و اجتهاد، هادی طریق حق و رشاد، علامه علمای جهان و یگانه افاضل دوران، جامع فروع و اصول، حاوی معقول و منقول، کشف مبهمات قرآن، که ذهن منیر صافی اش هر یک از آیات احکام را به تفسیر کبیر در هر مجمعی بیان نموده و حلال مشکلات فرقان، که علم کثیر و وافی اش، محکمت و متشابهات کلام را به بیان جامع بیضای منیر کشف آیات و تفسیر و در تبیین و ضیا چون منبج صدقان فرموده، فقهی که لمعه از لمعات مطالع دروس و معالمش برای ارشاد به شرایع اسلام و تهذیب قواعد ایمان اهل استبصار و یقین کافیسست و حکیمی که شربتی از مفرّحات محازن علوم و حقایق و اشارات و نکت و دقایقش جهت شفاء قلوب و تجرید اعتقاد و ایصال به منتهی مطلب و غایت مراد طالبان نجات و هدایت به صراط المستقیم دین شافی، معلّمی که به برکت تعلیم و دلالتش سفاین قلوب تیره دلان جهل و ضلالت در بحارانوار معرفت و ایقان جریان یافته است و مرشدی که از زمین ارشاد و هدایتش قوافل فروماندگان بی توشه و عریان به وادی ظلمانی غفلت و حیرت به حلیه متقین آراسته، با زاد معاد به پرتو مقباس مصابیح لمعات فیوضش به را حق و یقین شتافته و به قطره ای از عین الحیات نصایحش حیات قلوب مرده دلان عالمی تا ابد برپا و به ذره ای از کحل الجواهر مواعظش جلاء عیون کورقلبان مردمان جاوید مهیا، زبده الأبرار و ملاذ الأخیار، الذي كان قلبه القدوسي مرآت العقول و مشکوة الأنوار جدّي المرحوم، المغفور، المبرور، الغریق فی بحار رحمة ربّه الغفور، مولانا، محمد باقر المجلسی - قدس الله روحه الشریف و طیب ضریحه المنیف - که مسلم است از فضلاء عالم و علمای متأخّر و متقدم مثل ایشان کم کسی سعی در ترویج و تجدید مذهب و دین و توضیح و تبیین طریقه حق و یقین و ضبط و جمع و انتشار اخبار و آثار ائمه طاهرین - صلوات الله علیهم أجمعین - نمود و حلّ و بیان و تحقیق مشکلات و مشتبهات آنها به تأیید ربّ العالمین فرموده، بلکه اکثر کتب احادیث؛ از چهار صد اصل مشهور و غیر آنها که در این اواخر به سبب رغبت طلبه علوم بیشتر به علوم حکمی و اقوال فلسفی مندرس و متفرّق و بلکه از میان رفته بود، حسب المقدور از بلاد و امصار بعیده به سعی و تصدیعات بلیغه به دست آورده در بیست و پنج مجلد کتاب بحار الأنوار جمع و توضیح و بیان کرده اند، چنان که هر کس مطالعه و غوّاصی آن مجربی پایان نموده باشد،

میدانند.

واز غرایب اتفاقات تاریخ ولادت آن معدن کرامات با «جامع بحار الانوار» (۱۰۳۷) موافق آمده و بعد از جمع و تالیف کتاب مزبور، یکی از افاضل به آن ملهم شده است و آلا تا به حال همگی از میان رفته بود، چنان که در این مدّت قلیلی که از رحلت آن مرحوم گذشته است، باز نزدیک است که اکثر، متروک و مفقود شود خصوص در این زمان که اصل طلب علم و تحصیل متروک است و اگر کتب آن مغفور نبود، کار اکثر مردم مشکل بود.

چنان چه به غیر از سایر تصانیف عربیّه اش، از کتاب *مرآة العقول و ملاذ الأخیار* در شرح کافی و تهذیب حدیث و فوائد طریفه در شرح صحیفه شریفه و امثال آنها که مرجع و محتاج الیه علمای عظام و فضلالی فخام است، کتب فارسیه اش از *عین الحیات و حیات القلوب و جلاء العیون و حقّ الیقین و حلیة المتّقین و زاد المعاد و تحفة الزائر و مقباس المصایح و ربیع الأسایع و مشکوة الأئوار* و غیر اینها از رساله های که بخصوص نامی ندارد و از مختصر و مبسوط، زیاده بر آن است که محصور و مضبوط شود، بحمد الله تعالی باعث معرفت و بینش اکثر خواص و عوام بلکه کافّه انام است.

بلکه در این وقت بنای مذهب و عقاید و احکام و مسائل دین بر آنهاست. و به فضل اله و کرامات آن مؤتید من عند الله در جمیع ولایات عالم از بلاد موافق و مخالف از عرب و عجم منتشر و متواتر است و در کم قریه و دهی ست که اکثر آنها نباشد و نادر کسی ست که آنها را ندیده، بلکه ندارد.

غرض هر چه در مدایح و محامد او گفته شود، کم و زبان از بیان فضایل و مفاخر او آبکم است و اظهار فضل و جلالت و شکر ارشاد و هدایت او بر همه عالم از اقارب و اباعد فرض و لازم، خصوص از برای تحریص و ترغیب قلوب امم به تألیفات و تصنیفات او و برکات و فیوضات آنها از ضلالت و گمراهی نجات و هدایت یافتن که مقصود اهمّ و مطلب اعظم است.^۱

این سه رساله که در پیی خواهد آمد ما را به شناخت بیشتر از زندگی علامه مجلسی و آثارش رهنمون میسازد. خداوند بزرگ را بر این توفیق سپاسگزارم.

علامه محقق سید عبد الستار الحسنی - از دانشمندان و ادیبان بزرگ عراقی - در شهر قم میهمان مؤسسه کتابشناسی شیعه است، هنگام بررسی این متن قصیده ای در چهارده بیت

۱. هدایة العالمین، عزیزالله مجلسی، نسخه خطی کتابخانه ملی، شماره ۴۰۹۱/۳.

سرود، کہ تقدیم می شود:

تذکیر الغافل النسی بمآثر العلامة المجلسي

أَقْسَمُ بِاللَّيْلِ إِذَا مَا عَسَعَا
 أَنْ سَنَا (الباقري) مَضْبَاحِ الدُّجَا
 عِلْمُهُ الْعُصُورِ تَارِيخُ ذَوِي الْـ
 مَا بَرِحَتْ (بجازه) تَحْبُوا الْوَرَى
 لَمَّا تَزَلْ أَبْجَاهُ سَامِقَةً
 تُقْتَبَسُ الْأَنْوَارِ مِنْ عُيَاهَا
 حَتَّى هَلَا بِ (المجلسي) آيَةً
 وَخَطَّ مِنْ كِتَابِ عِلْمٍ مُحْكَمٍ
 أَعْظَمَ بِهِ مُتَقَبِّلاً مُحَقِّقاً
 وَرَاقِباً خَيْرَةَ أَشْفَارِهَا
 (أَبُونَعِيم) جَدُّهُ لَوَاتُهُ
 فَبَارَكَ اللَّهُ بِكُلِّ كَاتِبٍ
 وَمَنْ بِهِ نَوَّةٌ فِي مَحَافِلِ الْـ
 وَسَرَّرْ كُلَّ نَاشِرٍ لِذِكْرِهِ

قُمِ الْمُقَدَّسَةَ

العبد الآبق عبد الستار عفا عنه التمليك العقار ضحا يوم السبت السادس والعشرين من

شهر رمضان الكريم سنة ١٤٣٧ هـ

بسم



١. المهندس: البصير بالأمور

٢. من المشمولين إن شاء الله تعالى. بهذا الدعاء هو صاحب الفضيلة صديقنا العالم المحقق الشيخ علي الأكبر
 الزنجاني المعروف بـ (الصفري) لازال ذلك المذكور الفاضل السري.

رساله اول: دو حاشیه بر امل الآمل درباره علامه مجلسی

نسخه خطی این اثر به شماره ۵۵۰۱/۴ (گ ۲۵۲ پ - ۲۶۳ پ) در فهرست کتابخانه مجلس با عنوان «ترجمه احوال المجلسی و فهرست مصنفاته» معرفی شده است. (فهرست کتابخانه مجلس ج ۱۶ ص ۴۰۳). آنچه در این مجموعه تحریر شده عبارتند از:

- زندگی نامه علامه محمد باقر مجلسی رحمته الله به نقل از دو کتاب لؤلؤة البحرين و روضات

الجنات

- متن کتاب فهرست تالیفات علامه مجلسی به قلم میرمحمد حسین خاتون آبادی

- دو حاشیه بر کتاب امل الآمل اثر شیخ حرّ عاملی در ذیل زندگی نامه علامه مجلسی

دو حاشیه یادشده، دارای نکته های تازه و ارزشمند است. حاشیه نخست به عبارت «و لقد وجدنا فی هامش امل الآمل عند بیان ترجمته...» آغاز می شود و نویسنده آن ناشناخته است. در این حاشیه مطالبی تازه و ناب از تاریخ زندگی و تدریس و شیخ الاسلامی و درگذشت و خاکسپاری و آرامگاه علامه مجلسی و شرحی از مدفونین در بقعه آرامگاه ایشان بیان شده که در منابع دیگر نیست.

محتوای حاشیه دوم؛ نام چند تالیف از علامه مجلسی است که به قلم، میرمحمد حسین خاتون آبادی (۱۰۸۶-۱۱۵۱ق)، نوه دختری علامه است. خاتون آبادی^۱ فهرستی مستقل بر آثار علامه دارد که نسخه های پرشماری دارد و چند بار نیز به چاپ رسیده است.^۲

این نسخه به قلم یکی از مشاهیر خاندان مجلسی؛ شیخ حسنعلی اصفهانی الماسی مجلسی به تاریخ ۲۹ ربیع الثانی ۱۲۰۹ تحریر شده است.

نسخه دیگری از این همین متن نیز با عنوان «سرگذشت مجلسی دوم» در کتابخانه دانشگاه تهران به شماره ۲۶۱۱/۳ (فهرست دانشگاه تهران ج ۹ ص ۱۴۶۹) نگهداری می شود. این نسخه به تاریخ ۲۱ جمادی الثانی ۱۲۸۸ به خط نستعلیق حسن بن ابی طالب حسینی از روی نسخه پیشین؛ خط حسنعلی اصفهانی الماسی مجلسی، به تاریخ ۲۹ ربیع الثانی ۱۲۰۹ کتابت شده

۱. زندگینامه این عالم روزگار صفوی به قلم نگارنده در مقدمه رساله «احوال العلماء من اقارب المؤلف» که با عنوان «علمای خاندان خاتون آبادی» در مجله کتاب شیعه، سال سوم، بهار و تابستان ۱۳۹۱، شماره پنجم، صص ۷۱-۸۴ آمده است.

۲. نگاه کنید به مقدمه رساله بعدی (مستدرک فهرست آثار علامه مجلسی).



است.

یادآوری می شود پیشتر علامه سید محمدعلی روضاتی به این حاشیه استناد جسته و فرازی از ترجمه آن را در مقاله «اجازات روایتی دو محقق خوانساری» منتشر کرده است.^۱ علامه روضاتی متن این یادداشت را به مقالی دیگر در احوال و آثار علامه مجلسی حواله داده است که امکان نگارش آن برای او فراهم نگردید، رحمة الله علیه. آن گونه که آن مرحوم نوشته، نام حاشیه نویسنده شناخته نشده و به نسخه مورد استناد نیز اشاره نکرده است.

متن حاشیه امل الآمل

«ولقد وجدنا في هامش أمل الآمل عند بيان ترجمته [أى العلامة محمد باقر المجلسي] طاب ثراه بخط بعض فضلاء ما لفظه:

«لقد توفّي الفاضل الكامل علامة العلماء في جميع الأعصار والأمصا، خاتم المجتهدين و آية الله في العالمين المولى محمد باقر - طيب الله مضجعه الشريف - طلوع الفجر من يوم الاثنين السابع والعشرين من شهر الله الأعظم المتبرک شهر رمضان المبارك من شهور سنة عشر ومائة و ألف من الهجرة المقدسة النبوية على من هاجرها آلاف ألف صلاة و تحية.

و من الغرائب أن اتفق مولده الشريف أيضا في مثل هذا الساعة من مثل هذا اليوم من شهر العظيم و وافق تاريخ تولده «جامع بحار الأنوار»^۲ و كان سنّه الشريف ثلاثا و سبعين سنة بلا زيادة و نقیصة و قد عاش في زمن والده السعيد الزاهد المتوّع ملاذ الفضلاء و المحدثين التحرير التقي المتقي ثلاث و ثلاثين سنة كان و بقى بعد وفاته - قدس الله روحه - أربعين سنة كما عاش والده بعد وفاة شيخنا البهائي - طاب ثراه - أربعين سنة و كان رحمه الله صلّى صلاة الجمعة في المسجد الجامع العباسي عشرين سنة بعد وفاة الفاضل الكامل التحرير الى رحمة الله الباري مولينا محمد باقر السبزواري

۱. مقاله «اجازات روایتی دو محقق خوانساری» کیهان اندیشه، شماره ۸۲، بهمن و اسفند ۱۳۷۷، ص ۱۱۳ و «دو گفتار پیرامون گوشه هایی از احوال و آثار علماء بزرگ خوانسار مهاجر به اصفهان و سیری در اجازة ها»، سید محمدعلی روضاتی (قم، کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران، ۱۳۸۷) ص ۶۱.

۲. علامه مجلسی در هامش نسخه خطی جلد یکم بحار الأنوار این گونه یادداشت کرده است: «و من الغرائب أنه وافق تاريخ ولادتي عدد جامع كتاب بحار الأنوار كما تفتن به بعض اصحابنا الأخيار منه عفى عنه» این یادداشت همراه با تصویر خط علامه در «دو گفتار» علامه سید محمدعلی روضاتی ص ۶۲ آمده است.

وكان قد ارتكب شيخ الاسلام والمسلمين وكان ارتكابه لهذا الأمر مع وجوبه عليه مع اضطرار شديد عند تكليف عنيف من السلطان المرحوم المبرور السلطان سليمان وكان زمن ارتكابه لهذا الأمر اثني عشر سنة وكان بعد أن صَلَّى الجمعة يفسر القرآن على المنبر وكان في شهر الله الأعظم يجيء في المسجد الجامع العتيق في الإصفهان كل يوم ويصلي الظهرين مع نوافلتهم ثم يفسر القرآن المجيد وبعده يقابل الصحيفة السجادية - صلوات الله على من أهمها - و يترجمه و يبين معانيه و نكاته و أسراره بأحسن تبين.

و من الغريب أن آخريوم وعظه كان يُفسر سورة الرحمن و ختم على هذه الآية ﴿كُلٌّ مِنْ عَلَيْهَا فَانْ* وَيُقَى وَجْهَ رَبِّكَ ذَوَالْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ﴾ و ختم من أدعية الصحيفة الكاملة على دعاء التوبة وكان آخر مجلس درسه يومًا راح الإليجي^١ من الزوم عند القيصر و عرض على السلطان أن يرى مجلس درسه فرخصه السلطان فجاء الى مسجد العتيق و شرع في المباحثة الى أن جاء الإليجي حين درسه و سلم عليه و جلس على جنبه فقال سمعنا أوصافكم في بلاد الزوم و مشتاقون الى لقاءكم غاية الإشتياق فلما راح قال:

«أتى جلسته كان هذا نورا مجسما قد جهل في هذه البلاد قدره»

ثم أهدى اليه ببعض الأجناس وكان آخر ما كلمه مع سلطان المرحوم المبرور الشاه سلطان حسين يوم التحويل وكان شايعا في زمن السلاطين ضرب العود و الطنبور يوم التحويل، فسأل السلطان عنه عن حليته فأجاب بأنه حرام

ثم قال السلطان: هذا على سبيل الميمنة والبركة

فأجاب: «بأن لابركة في المحرم»

قال: إنه هل يضر بالصوم أم لا؟

فأجاب: «إنه ينقص ثوابه وأجره» فعند ذلك أمر السلطان بترك هذه السنة القبيحة الغير

مشروعة

ولقد زار مشهد المقدس الغروي مرتين؛ مرة في زمن والده و مرة بعد وفاته عند مجيئه الى مكة المعظمة و صنف فيه مجلد «المزار» من بحار الأنوار و «ترجمة فرحة الغري» و توطن في الغري قريبا من ستين و راح مكة و المدينة و زار مشهد الرضا عليه السلام و توطن فيه أيضا قريبا من ستين. و كان يدرس و يصنف فيه حتى صنف كتاب الأربعين فيه و كتاب الرجال في طريقه.

١. الإليجي: فرستاده مخصوص، سفير.

بعد أن مات طاب ثراه صلى عليه في المسجد الجامع العتيق الفاضل المحقق والعالم المدقق وحيد عصره وفريد دهره السابق في مضمار الفضل والكمال جميع الأقران والأمثال المولى جمال الدين محمد الخوانسارى وكان كثرة الناس بحيث يخافوا من الهلاك والبوار حتى جرّوا اللباس الذى حوت سريره قطعات متفرقات وكذا الجنّازة كسروها وأخذوها قطعاتها على سبيل الميمنة والبركة ودفن بقرب المسجد الجامع العتيق فى قبة معروفة مشهور بجانب والده طيب الله مضجعهما وقد دفن فى تلك القبة وذلك الموضع الشريف جمع كثير من السادات والفضلاء المتورّعين.

منهم؛ السيد الفاضل والنحرير الكامل أسوة الزهاد والعباد وقدوة الفضلاء والسادات فى جميع البلاد، الشامل رحمته الكريم وغفرانه، السيد علاء الدين محمد المسمى الـ «گلستانه» وله تصانيف وتعليقات وفوائد متفرقة منها شرحا نهج البلاغة الصغير والكبير بالعربية ولقد بالغ جهده فى توضيح أسراره وتبيين نكاته وإبائه أنواره وكتاب منهاج اليقين فى كباير والصغائر.

ومنهم الفاضل الكامل العلامة الفهامة زين العلماء والمحدثين، المغمور فى بحار الألفاظ والسبحانى، المولى محمد صالح المازندراني وله تأليفات وشروح وتعليقات منها شرح الأصول من الكافي فلقد أحسن فى حلّ مشكلات أخباره وأوضح دقائق نكات أسراره بما لا مزيد عليه و شرح المعالم فقد حلّ فيه مشكلاته وأوضح سرايره ومعضلاته

ومنهم الفقيه البارع والورع والخبير المتورّع مولينا محمد على الإسترآبادى ومنهم الفاضل الكامل العالم الحبير الزاهد المولى محمد هادى المازندراني ابن مولى محمد صالح السابق ذكره - طاب ثراهما- ابن أخت العلامة المجلسى المذكور ألقابه الشريف - شكر الله مساعيمهم الجميلة- الماهر فى أكثر الفنون من التفسير والفقه والحديث وأصول الفقه والمعانى والبيان والصرف والنحو ولقد آلف فى أكثرها بل كلّها تاليفاً وافياً محتويها على فواید شريفة ودقائق منيفة منها تفسير القرآن وترجمته ومعانيه وشرح بعض الفروع الكافي والقواعد وشرح الشافية والصمدية وشرح المعالم وغيرهم من العلماء والصلحاء السادات وغيرهم طيب الله مضاجعهم

وكان رحمه الله في أيام اشتغاله بأمور الشرع يباحث في كل أسبوع يومين في المسجد العتيق و كان في أوائل شغله يأمر بالمعروف وينهى عن المنكر حتى اطلع أن جماعة من أهل السند كانوا في أصبهان ويعبدون الأصنام^١ ولما كان هذا مخالفا لشرايط الذمة توجه الى رفعها وكسرها فتوصلوا الى جماعة من الأمراء وتعهدوا أنه لو رفع منهم هذا الأمر وتركوا يعبدون الأصنام أن أعطوا الى السلطان عشرة آلاف تومان وكان رحمه الله اشتد الأمر حتى عرض الى السلطان وقام بهذا الأمر حتى أمر السلطان بكسر الأصنام فأمر رحمه الله الى إحضار الأصنام الى باب السلطان وجلس هناك وكسرها وأمر أن يرمى كلما كان من الأصنام من الحجر الى الخلا وما كان منها من الشبه، أمر أن يصاغ منه الظرف متعارف في هذه الأزمنة فوضعها في المجالس لإدخال البصاق^٢ اليها فصيغ منها ثلاث وأرسل واحدة منها الى السلطان وأرسل واحدة منها الى الدستور الأعظم شيخ عليخان وكان الآخر وضع عنده وهكذا كانت سنته الى انقضاه نجبه

وكان رحمه الله يصلى المغرب والعشاء والفجر في المسجد ويصلى الظهرين في بيته وكان في زمن اشتغاله بأمور الشرع يرافع من طلوع الشمس الى وقت الظهر في كل اسبوع أربعة أيام و كان في يوم الأثنين والثلاثاء يباحث في المسجد الى قريب الظهر ومدرسه معروف وقد كان [في] مدرسه كثرة الناس بحيث لايسع له مكان فلقد عدّ في مدرسة كتاب الأصول من الكافي اربعمائة رجل كان أكثرهم من الفضلاء»

وقال في أمل الآمل:

«مولانا الجليل محمد باقر بن مولانا محمد تقي المجلسي؛

عالم فاضل ماهر محقق مدقق علامة فهامة فقيه متكلم محدث ثقة ثقة جامع للمحاسن والفضائل، جليل القدر، عظيم الشأن أطال الله بقاءه.

له مؤلفات كثيرة مفيدة منها: كتاب بحار الأنوار في أخبار الأئمة الأطهار يجمع أحاديث كتب الحديث كلها إلا الكتب الأربعة ونهج البلاغة فلا ينقل منها إلا قليلا مع حسن الترتيب وشرح المشكلات وهو خمسة وعشرون مجلدا، وكتاب جلاء العيون، وكتاب حياة القلوب، وكتاب عين

١. نسخه دانشگاه: «الأوثان».

٢. نسخه دانشگاه: «البزاق».



الحیاء، وکتاب مشکاة الأنوار فی فضل قراءة القرآن فارسی، وکتاب حلیة المتقین، وکتاب تحفة الزائر، وکتاب ملاذ الأخیار فی شرح تهذیب الاخبار، وکتاب مرآة العقول فی شرح الکافی، وکتاب الفوائد الطریفة فی شرح الصحیفة الشریفة، ورسالة فی الرجعة، ورسالة فی اختیار الساعات، وجوابات المسائل الطوسیة، وشرح روضة الکافی، ورسالة فی المقادیر، ورسالة فی الرجال، ورسالة فی الاعتقادات، ورسالة فی مناسک الحاج، ورسالة فی السهو والشک، وغیر ذلك وهو من المعاصرین. نروی عنه جمیع مؤلفاته وغیرها إجازة^۱ انتهى.

وکتب الغریق فی بحار رحمة الله الغفور علامة العلماء فی عصره آقا میر محمد حسین - أعلى الله مقامه - فی حاشیته الأمل بجنّته الشریف ما هذا لفظه:

« ومنها کتاب شرح الأربعین حدیثا غامضا فی حلّ غموضها وإيضاح معانیها وكشف الأستار اسرار هذه الأخبار مع غاية التحقيق ونهاية التدقيق ورسالة مختصرة فی أحوال الرجال وحوامش متفرقة على الكتب الأربعة من أوها إلى آخرها وغیرها کلها عربیة وکتاب حقّ الیقین فی معرفة أصول الدین والحقّ أنه کتاب متین ومبین لم یرمثله فی المصنّفین وهو آخر تصنیفاته - طاب ثراه - وهو أيضا من کراماته ومؤلفاته أكثر من أن تحصی وما اطلعت منها وضبطت فی رسالة مفردة ستون عشرة منها عربیة وخمسون فارسیة. انتهى.»

بسم

رساله دوم: مستدرک فهرست مصنّفات علامہ مجلسی رحمته اللہ علیہ

علامہ میر محمد حسین خاتون آبادی، کہ شاگرد ونوه دختری علامہ محمد باقر مجلسی است فهرست جامع وکاملی از آثار علامہ مجلسی نگاشته است. در این فهرست نام و موضوع آثار و شمار سطرها نوشته شده است. این اثر دارای دو فصل و یک خانمه است.

فصل اول (در بیان تصانیف عربی) و آنها ده عدد است.

فصل دوم (در بیان کتابهای فارسی) و آنها چهل ونه عدد است

خانمه در بیان شمار سطرهای نوشته شده به قلم علامہ مجلسی و تقسیم آن بر روزها و ماهها و سالهای زندگی علامہ مجلسی.

۱. أمل الآمل فی علماء جبل عامل، حر عاملی، محمد بن حسن، تحقیق: السید أحمد الحسینی الإشکوری، (قم، دارالکتاب الاسلامیة، ۱۳۶۲).

شاگرد دیگر علامه؛ سید محمد بن احمد حسینی لاهیجی در نظم اللّٰثالی گفته؛ آثار علامه توسط ملا محمد رضا کتابدار و دیگر کاتبان ویژه علامه مجلسی به جهت محاسبه اجرت کتابت محاسبه شده است.^۱ بر همان شیوه علامه میرمحمد حسین خاتون آبادی فهرستی از آثار علامه فراهم آورده و همراه با توضیحی دربارهٔ موضوع به شمار آیات آثار نیز اشاره کرده است. این فهرست، جز علامه میرمحمد حسین خاتون آبادی به بزرگان دیگری مانند، ملا محمد صالح خاتون آبادی (پدر بزرگوار میرمحمد حسین خاتون آبادی)، ملا محمد نصیر مجلسی (برادرزاده علامه) نسبت داده شده است. در این میان نام خاتون آبادی از شهرت بیشتری برخوردار است. تنها تفاوت متنی در آن این عبارت است: «پنجم: فرائد الطریفة فی شرح الصحیفة الشریفة،

و آن کتاب شرح صحیفه است، و آن نیز ناتمام است، زیرا که تا دعای چهارم نوشته شده است، و این حقیر بنا بر وصیت آن مرحوم مبرور شروع نموده‌ام، و الحال بحمد الله تعالی شرح یک دعا نوشته شده است، امید چنان است که خدای تعالی به زودی توفیق اتمام دهد، و آن پنج هزار است.»

این نکته که «اگر تعداد آیات (سطور) نوشته شده به قلم علامه که یک هزار هزار و چهارصد و دو هزار و هفتصد بیت است، به تعداد روزهای زندگی ایشان قسمت شود، روزی پنجاه و سه بیت و هفده حرف و نصف حرف می شود»^۲ برای نخست بار علامه میرمحمد صالح خاتون آبادی (۱۰۵۸-۱۱۲۶) (داماد علامه) در حدائق المقرّبین^۳ نوشته است.

۱. نظم اللّٰثالی معروف به سؤال و جواب، علامه محمدباقر مجلسی، تصحیح سید مهدی رجائی، قم، درالکتاب الاسلامی، ۱۴۱۱ق، ص ۳۶۷.

۲. «سالی تقریباً بیست و نه هزار بیت می شود لیکن چون در محاسبه اکثر کتب مذکوره با کتاب مسلک مسامحه سلوک بود و معهداً در بسیاری از آنها بعد از تخمین اصل نسخه الحاقاتی چند نیز اتفاق افتاده بود که در ثبت طومار کتابدار مشار الیه به ضبط درنیا آمده چنانچه در تخمین بعضی از آنها تفاوت فاحشی و مبلغ زیاد بر مقدار تخمین مشار الیه معلوم این حقیر گشت و همچنین سوای تألیفات مذکوره مدونّات بسیار دیگر نیز از رسائل و منشئات و همچنین تعلیقات بی شمار بر بعضی از عبارات مشکل احادیث و کلمات حکمت و کتب فقهیّه مانند فقرات کتاب شرح لمعه و غیرها و همچنین امثال فتاوی و مسائل متفرقه که اندکی از بسیار آن در این مجموعه [نظم اللّٰثالی] در سلک انتظام درآمده از حیظه عدد و احصاء بیرون رفته و که اکثر آنها به نظر این حقیر نرسیده و بلکه بعضی بجز ضبط آن سرکار نیز درنیا آمده است که اگر مجموع آنها به حساب آید... روزی اقلّ مساوی دویست بیت و کسری منظور تواند شد...» نظم اللّٰثالی، ص ۳۷۳-۳۷۴.

۳. حدائق المقرّبین، میرمحمد صالح بن عبدالواسع حسینی خاتون آبادی، تصحیح میرهاشم محدّث، (تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۹) ص ۲۵۴.

این متن اثری تازه در شناخت آثار علامه مجلسی بشمار می آید و نگارنده به مقایسه کتاب کافی و بحار الانوار پرداخته است.

تنها آگاهی تاریخی از نویسنده این مطلب این است که وی جلد هجدهم کتاب بحار الانوار را در سال یک هزار و یک صد و چهل و نه هجری در اصفهان رویت کرده است.

یگانه نسخه این اثر در کتابخانه ملی ملک نسخه شماره به شماره ۶۳۴۱/۷ (ج ۹ ص ۳۴۴-۳۴۵) موجود است. در فهرست کتابخانه ملک این رساله با رساله قبلی خود (فهرست تصانیف مجلسی اثر محمد نصیر مجلسی) یک اثر معرفی شده است که با مراجعه به نسخه بدست آمد هر یک اثری جداگانه است.

کاتب نسخه شیخ محمد تقی بن محمد حسین نیشابوری در جمادی الاولی ۱۲۸۳ آن را قلمی کرده است.

متن رساله

«مخفی نماند که جامع ترین کتب احادیث در طریقه اهل بیت علیهم السلام کتاب کافی کلینی است علیه السلام که جامع احادیث اصول و فروع و اعتقادات و عملیات بحیث «فرد من افراد الاحادیث من جورته» است و تصنیف آن در زمان غیبت صغری حضرت صاحب الامر علیه السلام شده بود و چنان که بعضی از اعلام فرموده اند که به توسط نواب و حجاب به نظر حضرت صاحب الامر رسیده و به سبب آن که حضرت فرموده بودند که این کتاب کافی است در زمان غیبت کبری به جهت هدایت شیعیان ما، این کتاب مسمی به کافی گردید و علما هرگاه که متوجه جمع احادیث ائمه معصومین علیهم السلام شده اند بنا را بر ترتیب کتاب مذکور که احسن و اشمل کتب احادیث است گذاشته اند چنان که جلد اول کتاب بحار الانوار نظیر کتاب العقل والجهل کافی است و جلد دوم در برابر اکثر ابواب کتاب التوحید کافی است و جلد سیم برابر بعضی از احادیث کتاب التوحید کتاب مذکور است که مشتمل بر ابواب جبر و تفویض و قضا و قدر و مشیت و اراده و غیرها است و هم چنین نظیر بعضی از ابواب کتاب الجنایز است که مشتمل بر احوال معاد است و جلد چهارم در برابر احادیث متفرقه وارده از احتجاجات معصومین صلی الله علیه و آله که متفرق در کتاب کافی در ابواب کتاب التوحید و کتاب الحجة و غیر آن مذکور شده و جلد پنجم تا جلد سیزدهم در برابر کتاب الحجة است و جلد چهاردهم هم از خواص این کتاب است که مشتمل بر احادیث متفرقه وارده در عجایب مخلوقات الهی و اولی و البقی چنان بود که این کتاب بعد از کتاب التوحید ذکر شود زیرا که بیان معرفه الله تمام میشود به ذکر ذات و صفات و افعال الهی و این جلد چهاردهم هم همه در ذکر افعال الهی است که مخلوقات او باشد و جلد پانزدهم و شانزدهم هم در برابر کتاب ایمان و کفر کافی است که تصنیف

نشده و جلد هفدهم در برابر کتاب الروضة کافی است زیرا احادیث کتاب الروضة کافی بعضی در نصاب و مواظط است و بعضی دیگر در عجایب مخلوقات الهی و آنچه در مواظط و نصاب بود آن را در این جلد هفدهم ذکر فرموده اند و آنچه در عجایب مخلوقات بود در جلد چهاردهم ذکر کرده اند و جلد هیجدهم تا جلد بیست و چهارم تمام در فروع است در برابر فروع کافی و ضابطه فقها آن است که فروع را در بر چهار قسم قسمت کنند قسم اول در اموری که محتاج به نیت است و آن را رابع عبادات گویند و جلد هیجدهم الی جلد بیست و دوم همه در این باب است و قسم دوم اموری چند است که محتاج است به صیغه ایجاب و قبول و آن را رابع عقود گویند و قسم سیم در اموری چند است که صیغه از یک جانب می باشد و محتاج به قبول نیست و آن را رابع ایقاعات گویند و این هر دو قسم در جلد بیست و سیم مذکور می شود تمام شد من نسخه معتبره.

جلد اول: دوازده هزار بیت

جلد دوم: پانزده هزار بیت

جلد سیم: بیست و هشت هزار بیت

جلد چهارم: شانزده هزار بیت

جلد پنجم: چهل هزار و چهل هزار بیت

جلد ششم: شصت و چهار هزار بیت

جلد هفتم: سی هزار بیت

جلد هشتم: شصت و یک هزار بیت

جلد نهم: پنجاه و دو هزار بیت

جلد دهم: بیست و چهار هزار و سیصد و پنجاه و هفت بیت

جلد یازدهم: ۱۶ [به عدد تحریر شده]

جلد دوازدهم: ۱۴

جلد سیزدهم: ۲۰

جلد چهاردهم: ۵۷ و صد و هیجده بیت [کذا]

جلد پانزدهم: که کتاب ایمان و کفر است بعد از دو سه هزار بیت نوشته شده و باقی به سبب

اشتغال به تصنیف کتب دیگر به تحریر نیامده است.

جلد شانزدهم: این جلد نیز به تحریر در نیامده وضع آن در طاعات و معاصی است و از

ثقات چنین مسموع شد که احادیث این دو مجلد را جناب مصنف به تحریر آورده اند اما

توضیح و بیان را ننوشته اند



جلد هفدهم: کتاب روضه است مشتمل است بر احادیث متفرقه متضمن مواعظ و نصایح است و خطبی چند از ائمه معصومین علیهم السلام که متضمن این مقال است و هم چنین احادیث قدسی چند که جناب معصومین علیهم السلام روایت از صحف انبیا سلف و تورات و انجیل فرموده اند و این فقیر در سنه یک هزار و یک صد و چهل و نه هجری در اصفهان این مجلد را دیده تخمیناً بقدر پانزده هزار بیت بود

جلد هیجدهم: مشتمل بر دو کتاب طهارت و کتاب صلاة و الآن عدد ابیات آن خاطر نبود جلد نوزدهم: کتاب القرآن و الدعوات و این مجلد به نظر حقیر نرسیده و جناب میر محمد حسین هم ننوشته اند و در بعضی رسایل دیده شده که عدد ابیات آن را صد و یک هزار بیت نوشته اند.

جلد بیستم: کتاب الزکوة و الصوم و اعمال سنه نیز در این منظور بوده لکن به تحریر نیامده [است]

جلد بیست و یکم: کتاب الحج و العمرة است و این نیز به تحریر نیامده است جلد بیست و دویم: کتاب المزار است و آن مشتمل است بر زیارات جناب پیغمبر ﷺ و حضرت فاطمه و ائمه هدی ﷺ و به تحریر آمده [است].

بیست و سیم: کتاب کتاب العقود و الایقات و حقیر ناقص از این کتاب دیده، تخمیناً هشت هزار یا هفت هزار بیت بود.

جلد بیست و چهارم: کتاب الأحکام است کالقضاء و الشهادات و الفرائض و الموارث و الحدود و القصاص و الدیات و مثلها و این به قید تحریر در نیامده [است].

جلد بیست و پنجم و این آخرین مجلدات است و آن مشتمل است بر طرق اسانید مصنف بر جمیع کتب مآخذ و هم چنین ذکر طبقات علما که هر یک به چه ترتیب أخذ احادیث از یکدیگر می نموده اند و این مجلد نیز به قید تحریر در نیامده [است].

حسب الفرموده جناب مستطاب شامخ الألقاب كهف الأرامل و الأیتام ثقة الإسلام ملاذ الخواص و العوام محیی مراسم الدین القویم اشرف الحاج و مفخر العمار جناب شیخ محمد رحیم دام ظلّه العالی تحریر شد. حرّرها محمد تقی ابن المغفور حاجی محمد حسین نیشابوری فی شهر جمادی الأولى من شهور سنة ۱۲۸۳

بسم

رساله سوم: مستدرک فهرست مصنفات علامه مجلسی

این متن به قلم مؤلفی از قرن سیزدهم به نام سید محمد مشهور به علی حسینی (قرن ۱۳ هـ) نگارش یافته و در آن برخلاف گفته میر محمد حسین خاتون آبادی که «... کتاب بحار الانوار و

سبب تألیف این کتاب آن است که بعد از واقعه هائله کربلای معلی خلفاء بنی امیه علیهم اللعنه بسیار قوی بودند، و تقیه بسیار شدید بود، و اکثر شیعیان به این جهت کمتر به خدمت ائمه علیهم السلام می رسیدند و احادیث فرامی گرفتند، تا زمان حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهم السلام، که ملاعین بنی امیه منقرض شدند و هنوز خلفای بنی عباس استقلال تمام بهم نرسانیده بودند، و تقیه بسیار کم بود، و شیعیان و موالیان بسیار به خدمت آن دو بزرگوار می رسیدند و احادیث فرامی گرفتند، و چهار صد کتاب حدیث نوشته شد که مشهور به چهار صد اصل است.

و در اعصار بعد به سبب عدم اعتناء مردم به ضبط احادیث و رغبت ایشان به علوم حکمی و اقوال فلاسفه بسیاری از چهار صد اصل تلف شده بود، لهذا آن مرحوم سعی بلیغ در ضبط و بهم رسانیدن چهار صد اصل نموده تا آنکه دویست و کسری از آن جمله را بهم رسانید، و از راه آنکه مبدا باز به طریق سابق تلف شود، مجموع را در این کتاب جمع نمود، و مشکلات احادیث را در بیان همگی توضیح نمود، و این کتاب مشتمل است بر بیست و پنج مجلد، و از آن جمله شانزده مجلد آن کتاب به اتمام رسیده است.»^۱ علت تألیف بحار الانوار را بر اساس مقدمه آن تلخیص و ترجمه کرده است.

این اثر در ادامه نسخه پیشین کتابت شده است. کتابت و تاریخ تحریر آن نیز با رساله یکسان است.

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين اما بعد چنین گوید فقیر حقیر الراجی المشهور محمد المدعو بعلی الحسینی - هداه الله الی طریق الرشاد - که چون جناب اعلم العلماء فی زمانه میر محمد حسین ابن میر محمد صالح ابن میر عبدالواسع خاتون آبادی که والد ایشان میر محمد صالح داماد رئیس المحدثین و افضل الفضلاء و اعلم العلماء حجة الفرقة الحقة و برهان الطائفة الحقة مولینا و اولینا مولانا محمد باقر المجلسی رحمة الله علیه بود و میر محمد حسین از اعظم تلامذه جدّ خود و نبیره ایشان بود رساله ای در فهرست مصنفات ایشان نوشته، چون به سبب عدم اعتناء حسب الواقع متوجه نشده بودند این فقیر استدراک نموده این رساله را تحریر نمود. به مضمون آن که:



۱. کتابشناسی علامه مجلسی، حسین درگاهی، علی اکبر تلافی داریانی، (تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۰ ش) ص ۴۲ «فهرست تألیفات علامه مجلسی، به قلم امیر محمد حسین خاتون آبادی».

آن کس که ز شهر آشناییست داند که متاع ما کجاییست
آن شاء الله تعالی بعد از مقابله با رساله جناب میر محمد حسین جلیه حق در نظر او و اهل
تحقیق جلوه گر خواهد شد و بالله التوفیق.
پوشیده نماند که مصنفات جناب آخوند مرحوم برد و قسم است؛ عربی و فارسی اما قسم
اول که در عربیات است ده کتاب است به این ترتیب:

اول کتاب مستطاب بحار الأنوار و آن کتابی است عظیم النظر عند أهل التحقيق والتحریر،
مشمول است بر بیست و پنج مجلد و اکثر آن در قید تصنیف درآمده الا چند مجلد چنان که
مذکور می گردد و چون تمهید تصنیف این کتاب به نحوی که مصنف در دیباچه مجلد اول بیان
نموده بر خلاف بیانی که در سبب تالیف جناب میر محمد حسین نوشته بودند، این فقیر خلاصه
ترجمه آن عبارت به عربی را به فارسی ذکر می نماید؛ و آن این است که میفرماید: بدانید ای گروه
طالبان حق و یقین آن که من از عنفوان شباب و اول بهار جوانی حریص بودم بر طلب انواع
علوم و فنون و دانش، به فضل حق سبحانه تعالی بر چیزی بسیار از ثمرات علم و دانش بهرور
گردیدم و از هر خرمی خوشه ای و از هر گوشه ای توشه ای به دست آوردم پس بعد از توغل
در این بیدای ناپیدا کنار و خوض در لجه این بحر ذخار معلوم شد که علم حقیق و دانش
واقعی علم و دانشی است که مأخوذ باشد از کتاب الله که قرآن مجید است زیرا که به مضمون
﴿ولا تطرب ولا یابس الا فی کتاب مبین﴾ علوم اولین و آخرین همه در آنجا جمع است و جناب
اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین به فحوای احادیث متعدده خزینه داران علم قرآن
و مترجمان وحی و الهام اند و کافی وافی نیست علوم بشری در احاطه به علوم قرآن، چون چنین
دیدم ترک نمودم جمیع علومی را که در مدت عمر تحصیل نموده بودم و با آن که از علوم رایج در
زمان ما بود و رو آوردم به سوی علومی که مأخوذ از اخبار ائمه طاهرین صلوات الله علیهم
اجمعین بود با آن که در این زمان ما کاسد و نارایج بود، پس خوض نمودم در کتب احادیث
مشهوره متداوله و به آن اکتفا نکرده، پی جویی کردم کتب احادیث که اصل و اصول بود و
متروک و مهجور شده بود خواه به سبب بعد عهد و تمادی زمان از وقت معصومین علیهم السلام و خواه
به سبب استیلائی سلاطین جور از مخالفین و ائمه ضلال و خواه به سبب رواج علوم باطله در
میانه جهال علما و خواه از قبل جماعت علمای متأخرین که به سبب پستی همت اکتفا به
کتب مشهوره نموده، کتب اصول سابقین را از روی بی اعتنائی ترک نموده بودند، پس به محنت
بسیار و تصدیع بی شمار و معاونت بعضی از افاضل اهل دانش و دین در قرون گذشته بود،
به دست آوردم و چون این کتب مشتمل بود بر فواید بسیاری چند که کتابهای مشهور این
زمان از احادیث و فقه خالی بود، از آن فواید و بسا از امور از احکام دین در آن کتابها یافته شد

که بسیاری از علما معترف بودند بر نایافت بودن این احکام در این کتب مشهوره، پس بذل کردم نهایت جهد خود را در ترویج آن کتابها و تصحیح و تنقیح و تنسیق آنها و چون به نظر تامل دیده شد که زمانه یوماً فیوماً محلّ حوادث و فساد و فتن است و اکثر اهل زمان مایل از حق به سوی باطل و از علم به سوی جهلند و نیز جمع شدن این همه کتب در یک مکان نزدیک به کس بسیار نادر و بالفرض وقوع به سبب کوتاهی همت طلبه علم تصحیح و تنقیح آن دشوارتر بود، پس ترسیدم از آن که مبادا این کتب باز مثل اوّل دست فرسود حوادث گردد و هر یک به نحو اوّل متفرّق شود و با وجود آن که مذکور شد اخبار متعلّقه به هر مقصدی از آن کتابها متفرّق در ابواب و فصول آنها به نحوی بود که اطلاع بر آن مقاصد بر اکثری از فضلاء زمان دشواری نمود، چه جای طلبه علمی که اوّل تحصیل ایشان باشد پس بعد از استخاره به جناب الله و استعانت بحول و قوّة ربّانی نامتناهی و استمداد از تأیید و رحمت او قصد کردم بر تالیف کتابی که فصول و ابواب آن بر نهج تنقیح و تدقیق بود در نظر اهل علم بر نظامی غریب و تالیفی عجیب ترتیب باید که به نحوی که کتب قدما و مصنّفات ایشان از این حسن تصنیف و زیبایی تالیف قاصر باشد، پس حمد بر خدای را و شکر بر الطاف او که به نحوی که دل می خواست، این کتاب از عالم باطن بر منصفه ظهور جلوه گر شد و مصدر کردم هر بابی را از کتاب های این کتاب به آیات قرآنی که متعلّق به عنوان آن باشد و بعد از آن ایراد کردم بعد از ذکر آیات، آن چه را که ذکر کرده اند از مفسّرین در تفسیر و بیان آن آیات، و بعد از آن ذکر کردم در آن باب تمام آن حدیثی را که متعلّق به عنوان آن باب بود تا آن که آن قدر از خبر و آن حدیث که متعلّق به آن باب بود و ایراد کردم تمام آن حدیث را در موضع دیگر که لایق و سزاوار به آن بود و توضیح و بیان نمودم آن چه محتاج بود از اخبار و احادیث به سوی کشف و بیان به منهجی شافی در غایت ایجاز تا به طول نیانجامد و ابواب ضخیم نشود و دشوار نگردد تحصیل آن بر طلاب.

والحمد لله وحده. تا این جا بود ترجمه کلام مصنّف در تمهید تصنیف این کتاب.

حرّرها محمد تقی عفی الله عن جرائمه و جرائم والده رحمه الله تعالی.

۲

و بعد از آن و امش اول الاصل عند بیان ترجمه کتاب شام بخط بعضی فضلا و ما نظر
 شد آنرا فی المنازل کما نقل العلماء و علامه العلماء فی جمیع الاعصار و الاسناد و ما نقله
 و ایدایه فی العالیین المولی محمد باقر آید او در جمیع المشرق المشرق فی جمیع الاشیان
 السابع و الثمین من شهر رجب الاکرام الثمین شهر رمضان المبارک من شهر رجب و ما نقله
 و الفقه من المشرق الاکرام الثمین من شهر رجب الاکرام الثمین شهر رمضان المبارک من شهر رجب و ما نقله
 الشریف ایضاً فی مثل هذه الاشیان من شهر رجب الاکرام الثمین شهر رمضان المبارک من شهر رجب و ما نقله
 کتاب مجاز الاشیان و کما نقله فی کتاب شام و سبباً من شهر رجب الاکرام الثمین شهر رمضان المبارک من شهر رجب و ما نقله
 فمن والده السعيد الرازي هذا التوقيع ملاذ الفتن و الهدى بين الخريف التي التي ملاذ و ما نقله
 و بقی بعد و نقله در عهد اربعین سنه كما ما ش و اده بعد و نقله شيخنا الیهائی صاحب
 اربعین سنه و کما در وصی لونه المصحف فی المصحف الجامع العباسی عشرین سنه بعد و نقله
 اکمل من الخبر المحدثه و ما نقله فی کتابه باقر السیر و اید و کما نقله کتب شيخ الاسلام
 و کما نقله فی کتابه الاکرام مع و ما نقله مع استظهاره من عند کاتب خریف من السلطان
 المرحوم الخیر و السلطان سليمان و کما نقله فی کتابه الاکرام مع عشرین سنه و کما نقله
 البعد فیسأل القرآن علی المنبر و کما نقله فی شهر رجب الاکرام الثمین من شهر رجب الاکرام الثمین شهر رمضان المبارک من شهر رجب و ما نقله
 کل يوم و يصلي المهر من مع تواظفها ثم فيسأل اذا انجيد و بعده يقابل الصيغة الخطية
 اسفل من الهاوية و جمعها بين عاتيد و کما نقله و اسل و باحسن تجيد و من شهر رجب الاکرام الثمین شهر رمضان المبارک من شهر رجب و ما نقله
 يوم و نقله کما فی نسخة و ما نقله و ختم علی هذه الاية کل من علیها فان و بقی و ما نقله
 فد الجلال و الاکرام و ختم من اذوية للصيغة الكامل على و ما نقله و کما نقله من شهر رجب الاکرام الثمین شهر رمضان المبارک من شهر رجب و ما نقله
 راجح الاشیان من شهر رجب الاکرام الثمین من شهر رجب الاکرام الثمین شهر رمضان المبارک من شهر رجب و ما نقله

۲۵۲

السلطان بآراء الاحباش التي اشرف في الباطن لاني بما ابلغ من العزيم و...
 بوجهه فقال سمعنا ما كنتم في بلادهم و...
 ان جعلت كان هذا انوار الجسد...
 اعزها الميرغ سلطان الميرغ و...
 شرب الصود والفضة...
 هذا على سبيل...
 انما شرب في...
 الشهد المقدس...
 سلف في...
 وكان يدوس...
 ملت عليه...
 وفر يد...
 بن محمد...
 الذي هو...
 والبركة...
 وقوله...
 القائل...
 من الكرم...
 مقولات...
 كتاب...
 الفهم...

دوم الكرم والبركة...
 دوماً الكرم والبركة...

صفحه دوم سرگذشت علامه مجلسی نسخه کتابخانه مجلس

تالیفات و تشریح و تعلیقات منها شرح الاصول من الكافي ففقد احسن في جعل مشکلات
وشرح كتاب من كتاب اسرارنا الاخر باب في شرح العالم المتقدم في معرفة مشكلة وشرح سريره و
حصوله **تكملة** انشبه بالجمع والوعر والخيزران وبعر من اسرارنا على الاستاذ **تكملة** انشبه
الكامل العالم من الخبر الامداد المولى محمد بن محمد بن محمد بن محمد بن المولى محمد بن المولى محمد بن
طاب وراهما بن بنت العلامة المجلسي المذكور القاب الاضيق بذكر الله سبحانه في الخبر المسمى اكثر
التنوير من التفسير في اللغة والمحدث واصول الفقه والعقل والبيان والاصفي والخفي والند
المنه **تكملة** انشبه بالجمع والوعر والخيزران وبعر من اسرارنا على الاستاذ **تكملة** انشبه
وتجيبه وسأله وشرح بعض الفروع الكافي في الفقه والاصول شرح الشافعي في الصلاة **تكملة** انشبه
تكملة من العلماء والصلوات والادوات في يوم ابيب الله سبحانه وهم وكان في يوم ابيب اشتغاله
باصول الشرح وبحث في كل السبع يومين في المسجد العتيق وكان في اول شهر ربيع الاول
ويومين من التكملة في الطبع ان جماعة من اهل السنة كانوا في الاسهبان يهدون الاسهبان
كان هذا الخلق الذي اذنه توجه الى رعيه او كره في الصلوات التي جماعة من الامر وانعقد
ان لم يرفع من هذه الامر وتكونوا يصنعون الاسماء او اعطوا الى السلطان مشرو الاذن
توان وكافه اشهد الامر حتى عرفوا الى السلطان وقام هذا الامر حتى امر السلطان بكتابة الاسماء
تأمره الى الصلوات والاسماء الى باب السلطان في كل شهر في كل شهر او امره في كل الاسماء
من الخبر الى الخلافة وكان منها من التبع امر ان يصاغ من تلافيف تشارف في هذه الاذن **تكملة** انشبه
في الجالس الاذخال الصاق اليها فاصبح منها ثلاث وارسل بعدة منها الى السلطان وارسل
منها الى الدستور والاعظم شيخ عليان وكان الاذن وضع حده ومكافاة استغناء
تعبه فكانت ويسل المغرب والعشاء والفرق في المسجد ويسل الظهر في بيته فكان في ذن
اشتغاله بالامر والشرح برافع من طلوع الشمس الى وقت الظهر في كل اسبوع اذ يبتدأ يومه في
يوم الاثنين والكتاب يباحث في المسجد الى قرب الظهر ومدسه هرقت وكان في بيته

۲۵۴

مدونہ ذکرہ الناس سبب الاصل لکان فقد مدنی و ما دست کتاب الاصولین تکلف بعدا
 و کما ذاک لکن من الغنایه **کتاب الاموال** مؤلفه الجلیل محمد باقر بن مولانا محمد علی علیہ السلام
 ما یحقق مدنی بلان فیما یتقدیم حکم بحدیث تفصیلا جامع الفاسر فی الفصول و ملل الفیاض
 منکم ان ان المال لله بقائه لم یؤلفات کثیره ضمیمه **کتاب** بما والا انوار فی فطر
 الوله الا لیه ان جمیع العاریت کتاب الحدیث کلها الا کتاب الاربعة و فیج البلاغة و نقل منها
 الوتیلد مع حسن الترتیب و شرح الکتابات و مشرحت و مشرحت **کتاب** جلاء العیون **کتاب**
 حیر و القلوب و **کتاب** حیر الیروز و **کتاب** مشکوفا الا انوار فی فصل فی فایزه الازان فی و من
 و کتاب ملطه اربعین و **کتاب** زاد العارف فی المال انت و **کتاب** ربیع الاسابع و **کتاب** سبب السبل
کتاب تصدق الاربعة **کتاب** ملذ الا انوار فی شرح فذیب الاخبار **کتاب** اجازة العتول فی شفا
 اجازة الارسول من کتاب العا و **کتاب** الفوائد الطیبه فی شرح العیون الضمیر و **کتاب**
 فی الویة **کتاب** فی استیارات الساعات و **کتاب** الاسأل الطویب و **کتاب** حیر الیروز و **کتاب**
کتاب ان القاصد **کتاب** فی الاستعدادات و **کتاب** فی شایعه الحاج و **کتاب** رساله التوحید الصلوة و **کتاب**
 مختصر فی بیان صلوة الیل و **کتاب** فی معرفت اوقات الصلوة **کتاب** فی الیهود و **کتاب** فی الاموال
کتاب و **کتاب** من المعاصیر فی زوی من جمیع مؤلفاته و غیره اجازة استی و **کتاب** فی الفریق و **کتاب**
 و **کتاب** اصناف الضمیر و **کتاب** العیون فی صدره ان و **کتاب** حیر الیروز و **کتاب** فی حاشیه الاموال و **کتاب**
 الترتیب ما هذا الضمیر و **کتاب** شرح اربعین حله باءه منافی و **کتاب** فی حاشیه الاموال و **کتاب**
 و **کتاب** الاستاذان و **کتاب** الاخبار مع فایده التفتیش و **کتاب** فی حاشیه التفتیش و **کتاب** التفتیش
 فی احوال الرجال و **کتاب** من تفرقه علی الکتاب الاربعة من اولها الی اخرها و غیره کما علی اعز
کتاب حق الیقین فی معرفت رسول الدین و الحق ان **کتاب** متین مبعوث لم یزل فی الضمیرین
 و غیره فیلیمانه لایبئاه و غیره فیهم کراماته و مؤلفاته اکثر من ان تسویعها و **کتاب** منها
 و ضللت فی رساله غفره ستون مشرحتها و غیره و **کتاب** فی حاشیه التفتیش و **کتاب** فی حاشیه التفتیش
بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله الذی و السان علی محمد المصطفى و آله الطیفا

صفحه چهارم سرگذشت علامه مجلسی نسخه کتابخانه مجلس



وخواننده و نحوای کتب تواریخ سما انساب جعلت با اینکه بودم ماسور و الامور هندی
نوشتم این تذکره بطیله را بعد از فراغ پنج روز از تصنیف او از روی خطها المصغر
عالمه من کمال مقدس محمد از انبیا است و خلفه بعد از او علی بن ابی طالب و اهل البیت
این علی ام مضافه الیه و التذکره و التذکره و التذکره
حسنی الاسفهان الالاسر الحسینی تاسع و رابع
مکرم ربيع الثاني سنة ۱۲۰۱

۶۸

بہالہ مفردہ فی شرح حال المجلسی نورالذکر و طاب ثوابہ
 و عودتہ الیٰ الخاتمة و اولادہ

و اقدرد جندہ فی مائش اولالاعند بیان ترجمہ طاب ثوابہ بخط بعض الفضلاء و لفظہ
 لفظہ الفضل الکامل العلامۃ علامتنا العلیٰ فی جمیع الاعصار و الامصار خاتم المبتدین
 و ایتہ المیزۃ العالمین المراسم مجربہ طیب لہ منجعبہ الشریف طلوع الخیر فی یوم الاثنين السابع
 و العشر من جماد الاول الا عظم المبرک کثرت رمضان المبارک من شہر ربیع الثانی و عروۃ دالف
 من الحجۃ المقدمۃ النبویۃ طاب ثوابہ اجراء الا فالفصلۃ و حقہ و من الغرائب لشرح اتفق مرلوہ
 الشریف ایضہ مثل ذہب العزیز من مثل فی الیوم من الشہر العظیم و وافق تاریخ تولدہ جامع کتاب
 بحار الانوار و کان سنہ الشریف ثلاثا و سبعین سنہ لازیادہ نقیصہ و قد عاش فی زمرۃ الذ
 السعید ازایہ المزرع لاذ الفضلاء و المذہب الخیر القدر المستطیع ثلاث و ثلاثین سنہ و بقیۃ
 بعد وفاتہ قریب روضہ اربعین سنہ فی عاش و الذ بعد وفاتہ شینۃ البرہا طاب ثوابہ
 اربعین سنہ و کان روحا صلوۃ الجودۃ المسبوحۃ لیس العاشر عشرين سنہ بعد وفاتہ الفضل
 الکامل الخیر المرحوم الہ البنا رر مولانا محمد باقر السید و ارر و کان قد ارتکب شیخ الاسلام
 و المسلمین و کان ارتکابہ لہذا الامر مع وجوبہ علیہ مع اضطرار شہید عند تکلیفہ عنین
 من السلطان المرحوم المبرور السلطان سلیمان و کان زفر ارتکابہ لہذا الامر فی عشر
 سنہ و کان بعد ان خطبہ بقرۃ القرآن علی المنبر و کان من شہر الہ الا عظیم یحییٰ المجد
 بجمیع العیسویۃ الا صفر ن کل یوم و یقتل الظلمین مع نواظرتہا ثم یقتل القرآن المجد

سرگزشت علامہ مجلسی نسخہ کتابخانہ دانشگاہ تہران



۱۷۲۹
 مخونه کتب معتبره در طبعه ابروت کتابخانه لطیفه آه و جامع احادیث
 اهل بیت و فروع و عقاید و عملیات بحسب لایحه فروغ افروز اولاد اهداءت منجوز است
 و تصنیف نیز در زمان غیبت معاصر حضرت امام علی علیه السلام شده و بسیار کتب معتبره از علمای
 که توسط بعضی از نزوات صحابه حضرت معصومه علیها السلام رسیده و بسیار کتب معتبره از
 کوفتی که کتب است در زمان غیبت که در کتب معتبره است و بسیار کتب معتبره از علمای
 اهل بیت که متوفی جمع اجابت اند و معتبره است که بسیار از کتب معتبره است که در این
 کتب اهداءت است که همه کتب معتبره است که در اول کتاب کار الله تعالی است که در این
 و جمله خود در برابر کتب اهداءت است و جمله خود بر این نوع از احادیث است
 القوم کتب معتبره است که در این کتب اهداءت است و جمله خود بر این نوع از احادیث است
 و هم چنین کتب معتبره از اهداءت است که در این کتب اهداءت است و جمله خود بر این نوع از احادیث است
 برابر احادیث معتبره و آورده از این کتب معتبره است که در این کتب اهداءت است و جمله خود بر این نوع از احادیث است
 کتاب القوم کتب معتبره است که در این کتب اهداءت است و جمله خود بر این نوع از احادیث است
 این کتب و جمله خود بر این نوع از احادیث است که در این کتب اهداءت است و جمله خود بر این نوع از احادیث است
 در عمایه نقلات الله و اولاد البیت همان نوع کتب معتبره است که در این کتب اهداءت است و جمله خود بر این نوع از احادیث است
 زیرا که این معتبره است که در این کتب اهداءت است و جمله خود بر این نوع از احادیث است
 در ذکر احوال اللغات که نقلات او باشد و جمله خود بر این نوع از احادیث است و جمله خود بر این نوع از احادیث است
 این و کتب معتبره است که در این کتب اهداءت است و جمله خود بر این نوع از احادیث است و جمله خود بر این نوع از احادیث است
 زیرا که احادیث کتب معتبره است که در این کتب اهداءت است و جمله خود بر این نوع از احادیث است و جمله خود بر این نوع از احادیث است
 نقلات الله و اولاد البیت و جمله خود بر این نوع از احادیث است و جمله خود بر این نوع از احادیث است
 نقلات الله و اولاد البیت و جمله خود بر این نوع از احادیث است و جمله خود بر این نوع از احادیث است

یوما فیما محمد سوادت فیما وفتی است و اکثر اهل زمان ما در این حق بسوی ما ملایم و از علم بسوی
 جلیلت و نیز جمیع تمدن لغیر هر کت در یک مکان نزدیک کسی بسیار نادر و با لغوی و قوی سبب
 بسبب آنکه این مرتبه طلب علم تصحیح و تنقیح لغز و نوار ترجمه پس ترسیم از آنکه ما و این کت با مثل
 اول دست خراب و سوادت کرد و در هر یک خواول متفوق شو و با وجود آنکه مذکور شد بخار
 متعلقه به مفسد از لغز تا به متفوق در انوارات و حصول آنها بخیر بود که اهل علم بر آن
 بر اکثر از فضل زمان و نوار ترجمه در طبع معلوم که اول کت بعد بیان پس بعد از
 استماره کتب اللغوی و احکامات کول قوه را با تا نماند و استمداد از تا بعد و وقت او
 قصد کردم بر تالیف کتاب که حصول و ابوالفتح بر تنقیح و تدقیق لغز در نظر اهل علم
 نظیر عربی تا لیس عجیب تر قب یا بر سبب که کت قدما و مصنفات بیان از لغز حسن
 و تصنیف از زمان تالیف قاصد پس بعد از انوار و اشک و لطافت او که بخیر کول
 سخن است که از این عالم باطن بر منصفه ظهور کرده و مفسد کردم هر باید از کتاب
 لغز تا آیات قرآنی که متعلق لغز پس و بعد از لغز امر کردم بعد از ذکر آیات لغز
 را که ذکر کرده که مفسر غیر در تفسیر بیان این آیات و بعد از لغز ذکر کردم در لغز عام
 لغز بعد غیر از که متعلق لغز تا باب لغز تا آنکه انقدر از خبر و انقدر که متعلق این باب
 بعد و امر کردم تمام لغز حدیث خود در موضع دیگر که لایق و سزاوار این لغز و تنقیح
 بیان لغز هم از جمله جمیع لغز از اخبار و احکامات لغز تا بیان منزه شده و غایت ایجاز
 تا بطول نماند و ابواب منجمت شود و کتاب منجمت شود و نوار ترجمه در کتب لغز بر طلب
 و انچه لغز و مده تا آنها بعد ترجمه کلام مصنف در لغز تصنیف لغز تا باب لغز تا
 عنقریب عنقریب خواهد و جوایم و انوار علم هر کس

۱۴۴

صفحه پایانی فهرست تالیفات علامه مجلسی نسخه کتابخانه ملک

بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله الذي هدانا لهذا الذي كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله
 ان تصنفها منذ ارجعت اليه في ان يفتي في بيان كنهها للفظ التوحيدي
 مستغنا عنه في العمود والاتقان بحسن التقدير والبيان وسلك الافضل ومما تميز به وعلوها من رتبة المعاني
 ورتب العزيم والتميز ودرج التهذيب والتميز من رتبة الاعجاز في رتبة الاعمال والادب
 والخراج في فطانتها من العلم والرفاه والمناجاة والخرق منها عدو وليس للعلم الجاهل او قويا
 لا يتبع بها الاضطرار واللبس على اللبيب واللبس على اللغز في فهمه ان بعض ما ذكره او يفتي
 او جزو بيان الحق ولو قدر ليس في العلم لم يجرده في معرفة نفسه على الجلساء في العلم والحق
 مشرب لم يفرق في منبرهم وقد علموا اناس في العلم الا لا في فهمهم في الفقه والاعتقاد
 التفريق في سبعة واربعين نصيب والادب في هجرته في عشرين نصيب
 في ترتيب المقادير المذكورة في كتب الادب والارادة وتوضيحها وتفسيرها لم تعلق بها في
 الف وفيها وهو بيان في الواقي في سبعة وعشرين الف والتميز في جميع المقادير
 في الكتب المذكورة في سبعة آلاف اثنتان وخمسين مستنبط من تفهيمات علماء العرب
 واخبارهم وبيان المعاني في اصول الدين المتفاد من الفقه والتميز في سبعة اطراف كتابها
 التي مرفوعة الذم عن فقه الدقيل وتكون طريقة اصولها في ستة آلاف وثمانين والتميز
 في مائة احكام مرفوعة المطهرة وسفينة اوابها وكتاب الخلاق وسواها في عشرة آلاف
 وثمانمائة وستين النيات في بيان ما في هذا الكلام الشريف في الفقه والتميز في سبعة
 في بيان ان شريعة الانبياء عليهم العرفه لها حجة في الفروع والكتابات الطائفة في كل باب
 ان في الاراء والادعوى والتميز وادبها من تفهيمها وقرق خلفها من تفهيمها في الفروع
 اثنتان وخمسين مستنبط في شرح لوائح القرون لو كبرت وبيان اصول المعاني
 في اصول اصول الدين في اربعة الاف وقره اربعون في معناه بسياقه اربعة عشر
 في عشرة آلاف وخمسة والكتابات الخيرية في علوم علم المعرفه واقولهم في الفقه والتميز
 والكتابات المصنوعة في التوحيد ومراتبه في ثمانية وثمانين في اربعة الاف

صفحه اول رساله سوم نسخه كتابخانه ملك

بر ما غیر ما محمد صادق است و اکثر اهل زمان ما در حق نبوت باطل و از علم نبوت
 جهلند و نیز جمع شدن نیز به کتب در یک مکان نزدیک کسی بسیار نادر و با بعضی قوی سبب
 سبب که تا به ترتیب طلب علم تصحیح و تنقیح لغز تواریخ جوین رسیدم از آنکه ما با او این کتب را در شهر
 اول دست فروردین حراوت کرد و در هر یک خواهری متفرق شد و با وجود آنکه در کورند اخبار
 متعلق به تصدیر از لغز کتابها متفرق در انواع و اقسام و فعلی آنها بنحوی که اطلاع بر آن
 بر اکثر از فضل زمان و تواریخ جوین به جابر طاهر معلوم کرد اول که فصلی همان به نام جوین
 است از به بیان الطاهر و سخنان کمال قوه را باقی نماند تا به آمدن تواریخ میدورفت او
 قصد کردم بر آن کتب که در فعلی و ابواب لغز بر تالیف و تدقیق بعد در نظر اهل علم
 نظر مغرب و تالیف عجیب تر قبایل بنحوی که کتب قدما و مصنفات همان از لغز حسن
 تصنیف و زیاده تالیف قاصد به نام محمد صادق از او که در الطاهر او که بنحوی که اول
 بنحوی که لغز کتابی عالم باطن بر منصفه ظهور کرده و مرصع کردم بر پایه از کتاب
 لغز کتابت قرآنی که متعلق لغز همان لغز شد و بعد از لغز امر که در لغز از ذکر آیات
 را که ذکر کرده اند مفسر تفریح و تفسیر و بیان این آیات و بعد از لغز ذکر کردم در لغز با نام
 لغز حدیث را که متعلق لغز این لغز است آنکه از لغز و لغز و لغز که متعلق این با
 بعد و اولی که در لغز حدیث خود در موضع دیگر که لایق و سر او را با لغز و لغز
 بیان نمودم آنچه محتاج لغز از اخبار و احادیث بود کتب و بیان بنحوی که لغز و لغز
 تا بطول نماند و ابواب تحقیق نمود و کتاب تحقیق نمود و تواریخ خود که در لغز
 و احمد طاهر و عدده تا آنها جوین ترجمه کلام مصنف در تصدیق لغز کتاب و لغز
 عفر به عنایت جوین و جوین و لغز و لغز

۱۴۶

